

چگونگی بازتاب خشونت ورزشی در روزنامه‌های ورزشی

نوشته دکتر محمدرضا جلالی، حسین نوری‌نیا

مقدمه

بررسی محتوای مطبوعات، ابعاد گوناگونی دارد که عمدتاً این بررسی بر حسب شیوه‌های کلاسیک - آن گونه که در منابع علمی آمده است - انجام می‌شود. تقطیع پیام به فرستنده، محتوا، کانال و مجرا، گیرنده و تأثیر آن (علی اسدی؛ ۱۳۵۸) و یا طبقه‌بندی مطالب از لحاظ نوع روزنامه‌نگاری، منبع و مأخذ و حوزه جغرافیایی، از حیث هدف و موضوع با بهره‌گیری از شیوه ارزش‌گذاری مطالب (کاظم معتمدنژاد؛ ۱۳۵۶) را می‌توان از مهمترین چارچوبهای بررسی کلاسیک در محتوای مطبوعات دانست. این گونه، علاوه بر این که می‌توان به ساختار پیام پی برد، ساختار مطبوعات و یا موضوع مورد بررسی در مطبوعات نیز بازنمایی می‌شود. بررسی حاضر، تنها به یک مجرا و کانال پیام یعنی روزنامه‌های ورزشی می‌پردازد و قصد آن توصیف چگونگی بازتاب خشونت‌های ورزشی در سه روزنامه سراسری است؛ از این رو، محتوای پیام نه به لحاظ موضوعی و نوع پیام، بلکه با در نظر گرفتن موضوع خشونت ورزشی و محتوای خشونت و با در نظر گرفتن چارچوب مفهومی پژوهش مورد کنکاش قرار گرفته است.

سطوح مسئله

ورزش مدرن با ورزش پیش‌مدرن، تفاوت ماهوی دارد؛ و این تفاوت را نمی‌توان با آموزه‌های پیش‌مدرن درک و تحلیل کرد. این که در متون دینی نیز به تندرستی و توجه به آن تأکید شده است و این که تندرستی از جهتی به ورزش کردن نسبت داده شده، هر چند در خور اهمیت است، ولی نمی‌تواند ماهیت ورزش جدید را بازنماید. ورزش در دنیای جدید همچون نهاد اجتماعی پر قدرتی در ارتباط متقابل با دیگر نهادها، گاه نقش تعیین‌کنندگی نیز دارد؛ بالاخص از این جهت که نهادها در شکل دادن و تعیین هویت اجتماعی نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. ورزش، امروزه غیر از کارکردهای مفرح و متنوعش، به عنوان عنصری هویت‌بخش شناخته می‌شود و مرزهای من و دیگری را بازنمایی می‌کند. به نظر می‌رسد اصل رقابت در ورزش تأثیر قابل ملاحظه‌ای در

شکل‌گیری هویتها و مرزبندیها ایفا کند. در چنین وضعیتی است که هواداریهای ورزشی رنگ و بوی قبیله‌ای نیز به خود می‌گیرد و نزاع و خشونت در رقابتها برای نشان دادن برتری من و تحقیر و شکست دیگری، امری عادی و طبیعی قلمداد می‌شود.

میزان و دامنهٔ خشونت به میزان و دامنهٔ توده‌ای شدن ورزش هم بازمی‌گردد؛ به طوری که همه‌گیر شدن ورزش که به شکل‌گیری هویت‌های متعدد ورزشی و هواداریهای گاه حاد و تند ورزشی منجر می‌شود، به رقابت معنای دیگری می‌بخشد. رقابتی که اعتماد به نفس و خودباوری یعنی باور به توانشها و مهارت‌های خود؛ و عزت نفس را در معرض تهدید قرار می‌دهد. مطلوبیتِ شکستِ حریف در رقابت منفی از جاذبهٔ پیروزی خود بیشتر می‌شود و قصد منکوب کردن حریف بیشتر از غلبه و برجستگی خود، محوریت می‌یابد. هرگونه رقابتی اعم از مثبت و منفی، با هیجان و الزامی برای تخلیهٔ هیجانی برخوردار است. رقابت‌های مثبت به دلیل تمرکز ذهن بر پیروزی و برتری خود، کمتر به پرخاشگری و بروز خشم مرضی و انحرافی منجر می‌شود، اما رقابت‌های منفی بار هیجانی آموختهٔ بیشتری به همراه دارد. بنابراین هدفمندی طرد دیگری و برتری‌خواهیهای تحقیرکننده منجر به خشونت می‌شود. به این ترتیب انواع پرخاشگریهای غیرمجاز را وارد حوزهٔ ورزشی خاصه ورزشهای دسته‌جمعی و رقابتی عینی و انواع توده‌ای شدهٔ آن می‌سازد؛ و بدین ترتیب خشونت بخش جدایی‌ناپذیر ورزشهای جدید می‌شود.

از سوی دیگر، رسانه‌های جمعی غیر از انتقال اخبار ورزشی، نقش عمده‌ای در شکل‌دهی به هویتها و رقابت‌های ورزشی ایفا می‌کنند. رقابت‌هایی که بخشی از آن را درگیریها و پرخاشگریها در برمی‌گیرد. این رقابتها به میزان وسیعی در روزنامه‌های ورزشی - با توجه به دامنه و بُرد آنها - به صورت گزارش، خبر، مقاله، یادداشت و تصویر منعکس می‌شود. زمینهٔ تهییج‌کنندگی در این زمینه بسیار است و امکان تحریک‌کنندگی برای رسانه‌ها مهیاست. روزنامه‌ها می‌توانند در ایجاد و تشدید ماجراجوییهای ورزشی نقشی اساسی بازی کنند؛ چنان که عمدتاً چنین می‌کنند. غالباً این مواجههٔ حادثه‌جویانهٔ روزنامه‌هاست که می‌تواند حسادت و رقابت منفی را در ورزش محوریت دهد و آمادگی هیجانی برای بروز رفتار واکنشی و پرخاشگرانه را در میان بازیکنان، مربیان و تماشاچیان از همان آغاز به صورت تصور و انگاشته‌ای کلیشه‌ای بالا برد. به این دلیل، بازخوانی و بررسی مطالب درگیریها و پرخاشگریهای رقابت‌های ورزشی در روزنامه‌ها، می‌تواند به میزان قابل توجهی وضعیت درگیری و پرخاش را در جامعهٔ ورزشی ما آشکار کند. این که ابعاد درگیری و

پرخاشگری ورزشی و حوزه‌های آن کدامند، از چه علل و عواملی برخاسته‌اند، چه پیامدهایی به همراه داشته‌اند، انواع آنها در عرصه‌های ورزشی کدامند و کدام یک پوشش و فراوانی بیشتری دارد، به عنوان پرسشهای اولیه و اساسی این بررسی طرح شده‌اند.

چارچوب مفهومی

خسونت و پرخاشگری، به رفتاری کلامی و غیر کلامی گفته می‌شود که به قصد آسیب رسانیدن فیزیکی و روانی به دیگری صورت گیرد. طبعاً این رفتار در زمینه‌ای میان - فردی و اجتماعی روی می‌دهد. در موقعیتهای ورزشی به اقتضای پذیرش محدوده معینی از خسونتها، محدوده عملیاتی خسونت هم با موقعیتهای بیرون از میداين ورزشی پذیرفته و مجاز شمرده می‌شود. با این حال، در همین موقعیتهای بروز خسونتهای عامدانه رفتاری به هدف آسیب‌رسانیدن به رقیب و حریف، امری غیر ورزشی، غیر مجاز و غیر اخلاقی و مصداق پرخاشگری است. اقتضای شرایط هیجان‌زای رقابت ورزشی، زمینه را برای ارتکاب انواع خسونتهای مجاز و غیرمجاز اخلاقی و غیر اخلاقی، و ورزشی و غیر ورزشی فراهم می‌سازد. البته خشم به عنوان هیجانی طبیعی، فردی و درونی که بروز آن همچون بروز دیگر هیجانها ناشی از الزامی درونی و ضروری است، با خسونت و پرخاشگری که بیشتر اکتسابی و اجتماعی و بیرونی است، تفاوت دارد. با این حال آمادگی هیجانی برای خشمگینی و بارز ساختن عصبانیت‌های فردی، می‌تواند به سرعت منجر به پرخاشگریهای میان فردی شود.

جایگاه اجتماعی هر ورزش، پایگاه اجتماعی اکثریت بازیکنان و هواداران، میزان حضور و بازتولیدش در زندگی روزمره، جایگاهش در گروه‌بندیهای اجتماعی و میزان هویت‌بخشی‌اش، با میزان تولید هیجان و رفتارهای هیجانی مربوط به آن ارتباطی نزدیک دارد. در این میان، ورزش فوتبال از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مطالعات و گزارشهای متعددی درباره تب فوتبال، ترکیب اجتماعی تماشاگران، رفتار تماشاگران، زبان تماشاگران، انواع درگیری آنها با یکدیگر، با داور، با بازیکنان در داخل ورزشگاه و با برخی عوامل در بیرون از ورزشگاه، تخریب اماکن و اموال و اغتشاش در بیرون منتشر شده است (جان ویلیامز؛ ۱۳۷۹: ۷۳-۸۴). اما قطعاً خسونتهای ورزشی به فوتبال ختم نمی‌شود و حوزه دیگر ورزشها را نیز در بر می‌گیرد. فوتبال، کشتی و والیبال از

جمله ورزشهایی هستند که از برد اجتماعی بالایی برخوردارند؛ هر چند فوتبال از این منظر فاصله قابل ملاحظه‌ای با این دو ورزش و ورزشهای دیگر دارد. هر سه حوزه مذکور واجد انواع بازیهایی است که از نظر باشگاه، بازیکنان و هواداران آنان از جایگاه متفاوتی برخوردارند. از این جهت نسبت به آنها سرمایه‌گذاریهای متفاوتی از لحاظ اجتماعی و روانی می‌شود. بازیهای لیگ، تمرینی، دوستانه، تدارکاتی و مسابقات انتخابی و ملی هر یک دارای حساسیت خاص خود است. هر چند این بازیها در محیطی مشخص و بخشی از ورزشگاه (زمین بازی) اتفاق می‌افتد، اما به جهت فرایندی بودن بازی و شکل‌گیری عناصر رقابتی قبل از بازی و تداوم هیجانهای مترکم‌شده و تخلیه‌ناشده بعد از بازی، می‌توان رفتارهای پرخاشگرانه مرتبط با ورزش را در سه دوره زمانی قبل، حین و بعد از بازی مورد بررسی قرار داد. از این رو، غیر از زمین بازی، بیرون ورزشگاه، رختکن و محل استراحت اعضای تیم نیز، میدانی برای بروز رقابتها و هیجانهای رفتاری و کلامی خواهد بود که بخشی از آن به صورت پرخاش بروز می‌کند؛ پرخاشهایی که به صورت لفظی و زبانی، فیزیکی و بدنی یا به قصد آن - که از آن به عنوان پرخاشگری آیینی یاد می‌شود (پیشین؛ ۱۳۷۹: ۶۹) - و نیز به صورت وسیله‌ای و پرتاب انواع گوناگون اجسام شکل می‌گیرد. پرخاشگران فقط و لزوماً تماشاچیان نیستند؛ هر چند دامنه پرخاش شکل گرفته از سوی تماشاچیان وسیع‌تر است، ولی در میدانی ورزشی با پرخاشهایی مواجه هستیم که از سوی تماشاگران، بازیکنان و حتی مسئولان و مربیهای تیم و دیگر افراد حاضر در محل ورزشگاه و بیرون آن و یا محل استقرار بازیکنان بروز پیدا می‌کند و هدف آن تعرض به حریم دیگر تماشاگران، بازیکنان و عوامل تیم یا عوامل حاضر در ورزشگاه همچون داور، مسئولان فدراسیون، انتظامات و نیروی انتظامی و خبرنگاران و حتی اموال عمومی و خصوصی شمرده می‌شود.

البته وقتی به علت پرخاش می‌نگریم، احتمالاً آن را ناشی از عملکرد افرادی می‌یابیم که در ورزشگاه حضور دارند و به نوعی با بازی مرتبط می‌شوند: قضاوت داور، عملکرد بازیکن یا مربی تیم خودی، عملکرد بازیکن یا مربی تیم مقابل و حریف، ناخوشایندی تیم مقابل که در فرآیند شکل‌گیری هویت تیمی ایجاد شده است، توهین به داور و از دست دادن تعادل روانی از این جمله هستند. در عین حال، پرخاشگری از زمینه‌های دیگری مثل جا به جاییهای هیجانی، منفی‌گرایی، پس‌زمینه‌های تربیتی، آموزشی، شخصیتی و اجتماعی، ماجراجوییهای فردی، حادثه‌جوییهای روزنامه‌ها، تصمیم‌سازیهای مسئولان و دست‌اندرکاران، رقابت‌های منفی،

رقابت‌های دیرینه تیم‌ها و بازیکنان بزرگ و بزرگ‌ساخته، حساسیت بازیها، تزریق نیندیشیده پول به بازیها، حرفه‌ای‌گری در ورزش، خودنماییهای هیستریک، انتقام‌کشی‌های نمادی، فرهنگ رفتاری جامعه و فرهنگ رفتاری دست‌اندرکاران ورزش نیز نشأت می‌گیرد.

پرخاشگری با هر علتی و از سوی هر فردی که شروع شده باشد، دارای پیامدهایی است که این پیامدها می‌تواند در وهله اول آزردهیهای روانی، ترس و هراس ورزشی، نایمنی روانی و ناامنی متقابل و اجتماعی و در وهله دوم مصدوم و مجروح شدن افراد و تخریب اموال عمومی در محیطهای ورزشی و یا بیرون از آن باشد. برخی از پیامدها به بازی مربوط می‌شود و با اخراج بازیکن خاطی از بازی یا اخطار گرفتن وی و نیز محرومیت‌های موقتی و یا قطعی از بازیها و مسابقات جلوه‌گر می‌شود. دستگیری تماشاگران، انحلال و تعطیلی بازی و ایجاد تنش نیز از دیگر مواردی است که می‌توان به عنوان پیامدهای درگیری خشونت‌آمیز در ورزشگاهها از آن یاد کرد.

بر مبنای آن چه بیان شد مفاهیم این بررسی در قالب ده مقوله صورت‌بندی می‌شود:

الف. حوزه ورزش؛ شامل: فوتبال، کشتی، والیبال

ب. نوع بازی؛ شامل: لیگ، تمرین، دوستانه و تدارکاتی، مسابقات انتخابی، تیم ملی

ج. مکان درگیری؛ شامل: زمین مسابقه، زمین تمرین، بیرون ورزشگاه، رختکن، اردوگاه، محل

استراحت

د. زمان درگیری؛ شامل: قبل از بازی، حین بازی، بعد از بازی

هـ. عامل یا شروع‌کننده درگیری؛ شامل: تماشاگر، بازیکن، مسئولان تیم، مربی، خبرنگار،

نیروی انتظامی و انتظامات، مسئولان فدراسیون، داور

و. طرف درگیری؛ شامل: تماشاگر، بازیکن، مسئولان تیم، مربی، خبرنگار، نیروی انتظامی و

انتظامات، مسئولان فدراسیون، داور

ز. نوع درگیری؛ شامل: لفظی و زبانی، فیزیکی و بدنی یا به قصد آن، وسیله‌ای

ح. ابزار درگیری؛ شامل: آوایی، کلامی، بدنی یا قصد آن، پرتاب اشیا، پرتاب مواد منفجره

ط. علت درگیری؛ شامل: قضاوت داور، عملکرد بازیکن یا مربی تیم خودی، عملکرد بازیکن یا

مربی تیم مقابل، ناخوشایندی از تیم مقابل، توهین به داور، از دست دادن تعادل و تسلط روانی،

عملکرد تماشاچی خودی و یا تماشاچی تیم مقابل

ی. اثر و پیامد آنی درگیری؛ شامل: آزرده‌گی روانی طرف و یا هر دو، ایجاد ترس و احساس ناامنی، مصدوم و مجروح شدن، تخریب اموال، تحریک افراد، اخراج از بازی و یا گرفتن اخطار، محروم شدن قطعی یا احتمال و تهدید به آن، تنش در بازی، جریمه یا احتمال جریمه، دستگیری تماشاگران، تعطیلی بازی و اعتراض دیگران.

روش بررسی

روش این بررسی، تحلیل محتوا از نوع توصیفی بوده است. برای این منظور سه روزنامه ورزشی، خبر ورزشی، اخبار ورزشی و ایران ورزشی که از پرتیراژترین و پرخواننده‌ترین روزنامه‌های ورزشی بودند، در دوره زمانی اواسط فروردین ماه سال ۱۳۸۱ تا پایان خرداد ماه ۱۳۸۲ برگزیده و تمام شماری شدند. در این بررسی، ابتدا تمام حوادث دوره زمانی مذکور شامل گزارش و اخباری که در آن به نحوی به حوادث ورزشی اشاره‌ای شده بود، فیش‌برداری و سپس بر اساس متغیرهای ده‌گانه چارچوب مفهومی بازخوانی شدند. برای این منظور با طراحی پرسشنامه و فرض هر حادثه و نزاع به عنوان یک مورد و واحد نمونه، اطلاعات خواسته شده وارد پرسشنامه شد. پس از این، برای توصیف چگونگی پوشش خبری درگیریه‌ها و پرخاشهای حوزه‌های ورزشی فوتبال، والیبال و کشتی، جدولهای یک بُعدی و دو بُعدی لازم استخراج و تنظیم شد. یادآوری این نکته نیز ضروری است که در ابتدای مطالعه، حوادث مشابه حذف شدند. از این رو، ممکن است یک حادثه در هر سه روزنامه منعکس شده باشد که یک بار شمارش شده و یا فقط در یک روزنامه به چاپ رسیده باشد.

بررسی یافته‌ها

اولین پرسشی که در مورد اطلاعات گردآوری شده، طرح می‌شود، چگونگی توزیع حوادث و درگیریه‌ها در مدت زمان در نظر گرفته شده یعنی از فروردین ۱۳۸۱ تا خرداد ۱۳۸۲ بوده است. در این پانزده ماه، ۳۰۶ حادثه ثبت شده فیش‌برداری شده که به طور متوسط برای هر ماه ۲۰/۴ حادثه می‌شود. ولی توزیع با وضعیت قابل انتظار تفاوت معناداری دارد؛ به طوری که کمترین حوادث ثبت شده در سه روزنامه مورد بررسی مربوط به تیر ماه سال ۸۱ با ۰/۷ درصد کل حوادث (۲ مورد) و بیشترین تعداد مربوط به اردیبهشت سال ۸۲ با ۱۴/۷ درصد (۴۵ مورد) بوده است. پس از

آن با ۱۰/۸ درصد (۳۳ مورد) آبان ماه سال ۸۱ و سپس آذر همان سال (با ۹/۲ درصد) جای می‌گیرند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی تاریخ بروز درگیریها و خشونت‌های ورزشی

تاریخ	تعداد	درصد
فروردین ۱۳۸۱	۱۶	۵/۲
اردیبهشت	۲۷	۸/۸
خرداد	۲۴	۷/۸
تیر	۲	۰/۷
مرداد	۱۰	۳/۳
شهریور	۱۷	۵/۶
مهر	۱۹	۶/۲
آبان	۳۳	۱۰/۸
آذر	۲۸	۹/۲
دی	۲۰	۶/۵
بهمن	۱۹	۶/۲
اسفند	۸	۲/۶
فروردین ۱۳۸۲	۱۵	۴/۹
اردیبهشت	۴۵	۱۴/۷
خرداد	۲۳	۷/۵
جمع	۳۰۶	۱۰۰

اگر بخواهیم به صورت فصلی به رویدادهای خشن ورزشی بنگریم، و فقط سال ۸۱ را مد نظر قرار دهیم، ۳۰ درصد از حوادث ثبت شده مربوط به بهار آن سال، ۱۳ درصد مربوط به تابستان، ۳۵/۹ درصد مربوط به پاییز و ۱۶/۶ درصد مربوط به زمستان آن سال بوده است. فصلهای پاییز و بهار به ترتیب بیشترین فراوانی حوادث ورزشی را داشته‌اند که مجموع آن حدود ۶۶ درصد می‌شود که تا حد زیادی مربوط به تعداد بازیها و میزان حضور تماشاچیان در این فصلهاست.

علاوه بر این تعداد حوادث در بهار سال ۸۲ در مقایسه با زمان مشابه در سال ۸۱، حدود ۲۴ درصد رشد داشته است. در ادامه، حوادث ورزشی روزنامه‌های مورد بررسی طی ۱۵ ماه بر اساس مفاهیم احصا شده در چارچوب مفهومی به بحث گذارده می‌شود.

حوزه ورزش

با توجه به این که بیشترین بازیها و تماشاچیان مربوط به حوزه فوتبال بوده است، بیشترین درگیریها نیز در این حوزه به وقوع پیوسته است. حدود ۹۵ درصد از درگیریها و خشونت‌های ورزشی ثبت شده در سه روزنامه مورد بررسی مربوط به این ورزش است. کشتی ۳/۶ درصد (۱۱ مورد) از درگیریها و والیبال ۱/۳ درصد (۴ مورد) از آنها را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این که در حوزه ورزشی والیبال در ده ماه اول مورد بررسی، واقعه‌ای ثبت نشده است. هر چند این تفاوتها به فزونی بازیهای فوتبال و شمار غیرقابل مقایسه تماشاچیان آن بازمی‌گردد اما باید از یک سو به حساسیت اخبار میدین ورزشی فوتبال و انعکاس بیشتر آنها در مقایسه با دو ورزش دیگر توجه داشت. از سوی دیگر باید به جایگاه اجتماعی ورزش و تیپ اجتماعی بازیکنان و تماشاچیان ورزشها و تفاوت قابل ملاحظه آنها مخصوصاً بین والیبال با دو ورزش دیگر توجه کرد. این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که میزان هیجان و رفتارهای هیجانی در ورزش فوتبال و بزرگی ورزشگاه و امکان گم شدن در خیل جمعیت در بین تماشاچیان فوتبال و تشکیل انبوهه جمعیت بسیار بیشتر از ورزشهای دیگر است. در این حالت فضای رفتار هیجانی افزایش و تأملات عقلانی کاهش می‌یابد. گستره رفتار هیستریک جمعی و گمگشتگی در جمعیت فزونی می‌گیرد. با تقلیل مسئولیت رفتار و عدم امکان مؤاخذه برای رفتار، جرأت دست‌یازیدن به رفتارهای ناسنجیده که از سوی جمع ابراز و القا شده، ناهشیارانه شدت می‌گیرد. به بیانی دیگر، هر چه ورزش، از یک سو وجه پوپولیستی و توده‌ای‌اش قوی‌تر باشد و از سوی دیگر، بازیکنان و تماشاچیان سرسپرده آن بیشتر باشند، به جهت تعدد و فزونی خرده فرهنگها نیز واجد عاملهای خشونت‌ورز- در کنار ویژگیهای هیجانی خاص آن ورزش - بیشتری است که می‌تواند درگیری و خشونت‌های بیشتری را در آن حوزه موجب شود. فوتبال، ورزشی است که هر چند مدرن قلمداد می‌شود، ولی وجهی کاملاً توده‌ای یافته است. کشتی به جهت بومی بودنش وجوه توده‌ای بودن را با خود حمل می‌کند، اما والیبال ورزش مدرنی است که از این صفت فاصله بسیار دارد.

بررسیها نشان می‌دهد، بافت موقعیتی فوتبال به مراتب بیشتر از دیگر ورزشها موجبات فزونی خشونت را مهیا می‌سازد. این میزان از خشونت جدای از این که ورزش فوتبال، بازیهای زیادی را در برمی‌گیرد و تماشاچیان بسیاری را جذب می‌کند، به عوامل روان‌شناختی متعدد دیگری نیز مربوط می‌شود:

۱. توسعه و تعمیق بافت تلقینی درونی‌شده در این ورزش بیشتر است.
۲. امکان همسان‌سازی و همانندسازی تماشاچیان با فوتبالیستها بیشتر است.
۳. امکان تقلید، جانشین‌سازی و یادگیری اجتماعی و مشاهده‌ای در آن بیشتر است.
۴. زمینه‌های تخلیه هیجانی پوپولیستی، عقده‌گشاییهای ناشی از سرخوردگی و بغضهای فروخورده اجتماعی و سیاسی و جبران شکستها و ناکامیهای زندگی در آن وسیع‌تر است.
۵. بازیکنان و مربیان بیشتر دچار اغوامندی و فریفتگی و خودستایی می‌شوند، و به واسطه اقبال تماشاچیان و هواداران، نسبت به موقعیت خود متوهم می‌شوند.
۶. تیپ شخصیتی ماجراجویانه‌تری در ورزشکاران رشته فوتبال مشاهده می‌شود.
۷. مسابقه‌ها و رقابتهای واجد حساسیت انگیزشی بیشتری هم برای بازیکنان و هم برای تماشاچیان هستند.
۸. امکان برون‌ریزی و واکنش‌های بیرونی منفی، زمینه گسترده‌ای برای ارضای نیازهای واپس‌زده گذشته، مهیا می‌سازد.
۹. اضطراب انگیزشی مختل‌کننده رفتار و عملکرد و تفکر، در آن به مراتب فزون‌تر شکل می‌گیرد.
۱۰. خودداری، بازداری و کنترل خود در این ورزش به دلیل گستره هیجانهای وادارنده ابرازی، تقلیل می‌یابد.
۱۱. عملاً تمهیدات کنترلی و امنیتی بیرونی به دلیل شکل تنبیهی و نظامی آن، تحریک‌پذیری هیجانی را بالا می‌برد.
۱۲. جنسیت مردانه درگیر در این ورزش - خاصه در ایران که تماشاچیان زن اجازه ورود به میادین ورزشی را ندارند - نیز به شدت در تحریک به پرخاشگری نقش دارد.
۱۳. سن پایین‌تر تماشاچیان این رشته ورزشی، مقتضای رفتارهای ماجراجویانه و غیر مسئولانه و پوپولیستی است.

۱۴. ورود تفکر مادی گرایانه و تزریق بی‌رویه پول به اسم بی‌مسمای حرفه‌ای شدن نیز از موجبات تشدید اخلاق و رفتار غیرورزشی و غیراجتماعی است (محمدرضا جلالی، ۱۳۸۴).
از این روست که در ورزش فوتبال شاهدیم که هیجان اختصاصی میدان ورزش به اماکن عمومی تسری می‌یابد و با شکستن شیشه‌های اتومبیلها، بروز خشم در زندگی مردم نیز جلوه‌ای عمومی به خود می‌گیرد.

نوع بازی

خسونت ورزشی و دامنه آن به نوع بازی هم مربوط می‌شود؛ چرا که بازیها، همه از یک جنس نیستند. علاوه بر این که فراوانی بازیها در برخی انواع آن بیشتر است، میزان اهمیت آنها نیز یکسان نیست. برخی دارای تماشاچی عام هستند، برخی برای موقعیت تیم تعیین‌کننده‌اند و برخی تمرین و آمادگی محسوب می‌شوند. در یک دسته‌بندی می‌توان بازی‌ها را در پنج گونه جای داد: لیگ، تمرین، دوستانه و تدارکاتی، مسابقات انتخابی و تیم ملی.

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی نوع بازی، درگیریها و خسونتهای ورزشی گزارش شده در مطبوعات

نوع	تعداد	درصد
لیگ	۲۴۶	۸۰/۴
تمرین	۲۹	۹/۵
دوستانه و تدارکاتی	۱۸	۵/۹
تیم ملی	۶	۲/۰
مسابقات انتخابی	۲	۰/۷
سایر	۵	۱/۶
جمع	۳۰۶	۱۰۰

حدود ۸۰ درصد از وقایع ثبت شده، مربوط به بازیهای لیگ بوده است که البته مورد استقبال بیشتر تماشاچیان و اصحاب رسانه‌ها قرار می‌گیرد. از سوی دیگر در این نوع بازیها عوامل گوناگون روانی و جمعی بروز رفتارهای خسونتی به صورت فعال وجود دارند؛ وضعیتی که در تمرین و بازیهای دوستانه و تدارکاتی کمتر مشاهده می‌شود. با این حال، ۹/۵ درصد از حوادث

ثبت شده مربوط به تمرین و ۵/۹ درصد مربوط به بازیهای دوستانه و تدارکاتی بوده است. بازیهای تیم ملی، مسابقات انتخابی و دیگر بازیها ۴/۳ درصد از حوادث را به خود اختصاص داده‌اند که به چگالی بازیها نیز مربوط می‌شود. در حوزه کشتی، موردی در تمرین و مسابقات دوستانه و تدارکاتی ثبت نشده است. همچنین، حوادث ثبت شده در حوزه والیبال فقط از بازیهای لیگ بوده و حوادث انواع دیگر بازیها در روزنامه‌های مورد بررسی انعکاسی نداشته است که خود می‌تواند ناشی از فقدان و یا تعداد اندک حوادث باشد.

مکان درگیری

همه حوادث ثبت شده، مربوط به زمین مسابقه نبوده‌اند؛ هر چند نزدیک به سه چهارم حوادث درگیریها (۷۳/۵ درصد) از زمین مسابقه ثبت شده است، ولی ۱۰/۵ درصد از حوادث در زمین تمرین، ۷/۵ درصد بیرون ورزشگاه، ۷/۲ درصد در رختکن و بین اعضای تیم و ۱/۳ درصد در اردو و محل استراحت تیمها به وقوع پیوسته است. از آنجا که پرخاشگری و رویدادهای خشن مرتبط با میداین ورزشی با اضطراب، همانندسازی و ناکامی رابطه‌ای مستقیم دارد، می‌توان انتظار داشت که بیشتر این حوادث در زمین مسابقه (محل حضور مشترک بازیکنان و تماشاچیان) رخ دهد. حوادث اردو و محل استراحت مربوط به مسابقه‌های لیگ و تیم ملی بوده است. در رختکن، بیرون ورزشگاه و زمین تمرین، رویدادی مربوط به تیم ملی و مسابقه‌های انتخابی گزارش نشده است. علاوه بر این که حدود ۹۰ درصد حوادث مربوط به زمین مسابقه، در مسابقه‌های لیگ رخ داده است. تمام حوادث والیبال از زمین مسابقه ثبت شده، ولی یکی از حوادث کشتی، بیرون از ورزشگاه بوده است. این در صورتی است که ۲۷/۵ درصد از وقایع فوتبال در محیطی خارج از زمین فوتبال روی داده است.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی مکان بروز درگیریها و خشونت‌های ورزشی

مکان	تعداد	درصد
زمین مسابقه	۲۲۵	۷۳/۵
زمین تمرین	۳۲	۱۰/۵
بیرون ورزشگاه	۲۳	۷/۵
رختکن	۲۲	۷/۲

۱/۳	۴	اردو و محل استراحت
۱۰۰	۳۰۶	جمع

یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۳/۵ درصد از درگیرها و خشونت‌های ورزشی فوتبال در زمین مسابقه، ۱۱ درصد در زمین تمرین، ۷/۶ درصد در رختکن بازیکنان، همین میزان در بیرون ورزشگاه و حدود ۱/۴ درصد در اردو و محل استراحت رخ داده است. البته باید به یاد داشت که وقایع زمین مسابقه به جهت اهمیت بازی بیشتر به چشم می‌آید. به عبارت دیگر وقایع محل‌های دیگر کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و یا کمتر خبری از آنها به اطلاع دیگران می‌رسد و یا حتی برای کاهش تنش و حفظ روحیه بازیکنان کمتر در روزنامه‌ها انعکاس می‌یابند؛ مگر رفتار خشونت‌آمیز تماشاچیان در بیرون ورزشگاه و پس از پایان بازی که هر چند به لحاظ فراوانی قابل توجه نیست ولی به لحاظ گستره خشونت‌ورزی و تخریب، واجد اهمیت و گاه قابل مقایسه با خشونت‌های داخل ورزشگاه نیست که خود می‌تواند ناشی از کنترل شدن درون ورزشگاه و رها شدگی و یا ناتوانی از کنترل در بیرون از ورزشگاه باشد.

زمان درگیری

با توجه به این که بیشتر حوادث و پرخاشگریها مربوط به زمین مسابقه بوده است، می‌توان گفت این حوادث عمدتاً هنگام بازی اتفاق می‌افتد. از ۳۰۶ حادثه مورد بررسی، ۶۴/۷ درصد حوادث و درگیریها حین بازی بوده است. موقعیت حین بازی، عینی‌ترین موقعیت برای همانندسازی و تخلیه هیجانی است که البته بخشی از هیجان متراکم شده و تخلیه‌ناشده ناشی از بازی به بعد از بازی نیز انتقال می‌یابد. از این رو، حدود یک چهارم از حوادث نیز مربوط به بعد از بازی بوده و فقط ۷ درصد از درگیریها و خشونت‌ها از قبل از بازیها گزارش شده است.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی زمان بروز درگیریها و خشونت‌های ورزشی

درصد	تعداد	زمان
۶/۹	۲۱	قبل از بازی
۶۴/۷	۱۹۸	حین بازی
۲۵/۵	۷۸	بعد از بازی

سایر	۹	۲/۹
جمع	۳۰۶	۱۰۰

در مورد والیبال هر چهار حادثه ثبت شده، در حین بازی بوده ولی در مورد کشتی ۵۴/۵ درصد از اتفاقات به حین بازی و ۳۶/۴ درصد به بعد از بازی مربوط می‌شده و موردی قبل از بازی ثبت نشده است. در مورد فوتبال وضعیت به گونه‌ای دیگر است و از هر سه مقطع گزارشها و اخباری از درگیریها و پرخاشگریها در روزنامه‌های مورد بررسی به چاپ رسیده است. در فوتبال، ۶۴/۶ درصد از حوادث حین بازی، ۲۵/۴ درصد بعد از بازی و فقط ۷/۲ درصد مربوط به قبل از بازی بوده است. البته نسبت حوادث و درگیریهای حین بازی در بازیهای دوستانه و تدارکاتی بیشتر از تمرین و لیگ بوده است. علت آن نیز می‌تواند به کوچک و محدود بودن دامنه حواشی این بازیها و تمرکز بیشتر اتفاقات در حین بازی بازگردد. در لیگ به جهت بزرگ بودن حواشی و فزونی حوادث بعد از بازی، نسبت حوادث حین بازی به ۶۳/۴ درصد رسیده است. در صورتی که در بازیهای دوستانه و تدارکاتی ۷۷/۸ درصد و در تمرینها ۷۵/۹ درصد از حوادث مربوط به حین بازی بوده است. علاوه بر این که بیشتر حوادث مرتبط با زمین مسابقه و زمین تمرین، حین بازی اتفاق افتاده است (حدود یک سوم از حوادث). ولی بیشتر حوادث بیرون ورزشگاه و رختکن بعد از بازی و بیشتر حوادث اردوها و محل استراحت اعضای تیم قبل از بازی رخ داده است.

عواملان درگیری

هر درگیری و پرخاشگری در یک رابطه متقابل شکل می‌گیرد. از این رو، یک عامل شروع کننده و یک طرف درگیر و پرخاش دارد. در بیشتر موارد عامل درگیری و پرخاش تماشاچیان و گروه هدف، بازیکنان بوده‌اند. در ۵۲/۶ درصد از موارد ثبت شده، شروع کننده درگیری، تماشاچیان و در ۵۶/۹ درصد گروه هدف، بازیکنان بوده‌اند که در ۴۷/۸ درصد از مواردی که تماشاچیان عامل پرخاش شناخته شدند، گروه هدف بازیکنان و در بقیه موارد تماشاچیان، مسئولان تیم، مربی و دیگر افراد بوده‌اند. در کل، در ۳۷/۶ درصد از حوادث ثبت شده، بازیکنان، در ۶/۲ درصد مربیها، در ۲ درصد مسئولان تیمها، در ۰/۷ درصد انتظامات ورزشگاه و نیروی انتظامی در همین نسبت مسئولان فدراسیون و در یک مورد (۰/۳ درصد) داور عامل و شروع کننده درگیری و

پرخاش شناخته شده‌اند. گروه هدف و طرف دیگر درگیری و پرخاش، غیر از بازیکنان در ۱۰/۸ درصد تماشاگران، در ۹/۲ درصد داور و در همین میزان از موارد مربی، در ۲/۹ درصد خبرنگار و مجری رسانه‌ای و همین نسبت نیز مسئولان تیم و سایر افراد تیم، در ۱/۶ درصد انتظامات ورزشگاه و نیروی انتظامی و همین نسبت مسئولان فدراسیون و اموال عمومی ثبت شده است. کاملاً مشخص است که تماشاچیان و بازیکنان اصلی‌ترین افراد میدین ورزشی هستند که به دلیل فقدان بازداری و خودداری مهمترین عناصر در تولید و مصرف هیجانها محسوب می‌شوند؛ به طوری که با وجود زمینه‌های مساعد، چون سیلی محرک و مهیج به دیگری سرایت کرده و آن را دامن گیر و همه گیر ساخته و رفتارهای فردی عمدتاً و سریعاً به رفتارهای واکنشی، هیجانی و خشونت‌ی جمعی تبدیل می‌شود. بروز رفتار واکنشی که از زمینه فقدان خودکنترلی ناشی می‌شود با پتانسیل تقلید و تلقین پذیری، همچنین سبب می‌شود کوچکترین رفتار ناصحیح غیر عمدی حریف، به شیوه مقابله به مثل و در شکل تشدید شده‌تر پرخاشگری پاسخ داده شود. این را نیز باید یادآور شد که بر حسب گزارشها و اخبار مورد بررسی، تمام شروع کننده‌های درگیریها با تمام گروه‌های هدف مواجه نمی‌شوند. به عنوان مثال، بیشترین گروه هدف تماشاچیان را ابتدا بازیکنان و سپس تماشاچیان و مربیان تشکیل می‌دهند. در صورتی که بیشترین گروه هدف بازیکنان را دیگر بازیکنان (در ۸۰ درصد موارد) شامل شده‌اند. همچنین، مربیان عامل درگیری با گروههای متفاوتی - حتی تماشاچیان - نیز بوده‌اند.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی عاملان بروز درگیریها و خشونت‌های ورزشی

گروه هدف	گروه عامل		عاملان
	تعداد	درصد	
تماشاگر	۱۶۱	۵۲/۶	۱۰/۸
بازیکن	۱۱۵	۳۷/۶	۵۶/۹
مسئولان تیم	۶	۲/۰	۲/۹
مربی	۱۹	۶/۲	۹/۲
خبرنگار	۰	۰	۲/۹

انتظامات و نیروی انتظامی	۲	۰/۷	۵	۱/۶
مستولان فدراسیون	۲	۰/۷	۵	۱/۶
داور	۱	۰/۳	۲۸	۹/۲
افراد تیم	۰	۰	۹	۲/۹
هیچ کس	۰	۰	۱	۰/۳
اموال	۰	۰	۵	۱/۶
جمع	۳۰۶	۱۰۰	۳۰۶	۱۰۰

نوع و ابزار درگیری

درگیریها عمدتاً به شیوه لفظی و کلامی بروز کرده است؛ ۶۶/۱ درصد از خشونت‌های ثبت‌شده، در این مجموعه می‌گنجد که با بیان کلمات و جمله‌های زشت و رکیک (در ۴۳/۸ درصد) و یا هو کشیدن و استهزای طرف مقابل با اصوات مختلف همراه است و حتی در بسیاری از موارد علیه بازیکنان تیم خودی است. این نوع خشونت که در میادین ورزشی بسیار مرسوم است و اولین گام تخلیه هیجانی افراد محسوب می‌شود، سهل‌ترین شیوه بروز پرخاش نیز هست. پس از آن پرخاش فیزیکی یا به قصد آن قرار می‌گیرد که ۳۰/۱ درصد از حوادث ثبت‌شده را شامل می‌شود. قصد به این شیوه نیز در این مجموعه قرار گرفته است که «پرخاشگری آیینی» نامیده می‌شود. به این جهت که با مداخله عوامل و افراد دیگری به درگیری بدنی نینجامیده است و در صورت نبود آن عامل در لحظه مورد نظر می‌توانسته به نزاع نیز بینجامد. خشونت‌های وسیله‌ای، ۲۰/۶ درصد از موارد ثبت شده بوده است که در آن عامل درگیری از انواع وسایل در اختیار مانند چوب، سنگ، بطری (در ۱۴ درصد موارد)، مواد محترقه (در ۶ درصد موارد) و دیگر وسایل برای نشان دادن اعتراض خود استفاده می‌کند. البته ۳/۳ درصد از درگیریها لفظی و بدنی به صورت توأمان بوده است. مقایسه تماشاگران و بازیکنان نشان می‌دهد که در بین بازیکنان، خشونت لفظی و بدنی بیشتر از تماشاگران و هواداران تیمها بوده است. اما خشونت وسیله‌ای در بین تماشاگران، رتبه دوم خشونت‌های ورزشی را به خود اختصاص داده است. با توجه به این که ۹۵ درصد از حوادث ثبت‌شده مربوط به فوتبال بوده است، ساختار بیان شده، ساختار مسلط حوادث و خشونت‌های ورزشی در این ورزش قلمداد می‌شود.

علت درگیری

علت بروز درگیریها و خشونتها، عمدتاً به عملکرد افراد و یا قضاوتی بازمی‌گردد که افراد از عملکرد دیگران دارند. با توجه به این که بیشتر حوادث و پرخاشگریها مربوط به حین و بعد از بازی بوده است، علت بروز آنها نیز به عملکرد افراد در ارتباط با بازی بازمی‌گردد. در این میان، عملکرد مربی یا بازیکنان تیم خودی به اندازه عملکرد افراد تیم مقابل و حریف در بروز خشونت‌های رفتاری در میادین ورزشی مؤثر بوده است. در ۲۴/۸ درصد از موارد عملکرد افراد تیم خودی و با همین میزان عملکرد اعضای تیم حریف در بروز حوادث نقش داشته است. البته آنجا که ورزش جدید، نقش عامل هویت‌زایی را نیز ایفا می‌کند، ناخوشایندی از تیم حریف در ۱۹/۹ درصد از موارد عامل بروز نزاع و درگیری بوده است. قضاوت، تنها در ۹/۸ درصد از موارد به عنوان عامل بروز درگیری شناخته شده است.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی علت و دلیل بروز درگیریها و خشونت‌های ورزشی

علل	تعداد	درصد
عملکرد مربی یا بازیکن خودی	۷۶	۲۴/۸
عملکرد افراد تیم مقابل	۷۶	۲۴/۸
ناخوشایندی از تیم مقابل	۶۱	۱۹/۹
قضاوت داور	۳۰	۹/۸
از دست دادن تسلط روانی	۱	۰/۳
توهین به داور	۱	۰/۳
سایر و نامشخص	۶۱	۱۹/۹
جمع	۳۰۶	۱۰۰

اثر و پیامد آنی درگیری

در بیشتر موارد، درگیریها غیر از این که نقش تخلیه هیجانی داشته است، به آزردهی روانی طرف مقابل یا هر دو طرف انجامیده است (۴۹ درصد). اما مصدوم و مجروح شدن فرد یا افراد،

پیامد ۱۳/۷ درصد از درگیریها بوده است. ایجاد ترس و احساس ناامنی در ۱۰/۸ درصد از موارد و تخریب اموال در ۴/۹ درصد از پرخاشگریها گزارش شده است. اخراج از بازی یا دریافت اخطار نتیجه ۶/۵ درصد از درگیریها و محرومیت قطعی یا موقت بازیکنان نیز پیامد ۱/۳ درصد از درگیریهای ثبت شده در روزنامه‌های مورد بررسی بوده است. علاوه بر این که دستگیری تماشاگران نیز در ۱/۳ درصد از موارد گزارش شده است. ایجاد تنش در بازی، تعطیلی بازی، شکل دادن به اعتراض دیگران، احتمال جریمه باشگاه از دیگر پیامدهای ثبت شده بوده است. علاوه بر این که در ۸ درصد از موارد پیامدی قابل تشخیص نبود. آن چه بیان شد، ساختار علل خشونت در ورزش فوتبال است و در دیگر ورزشها به جهت کمی درگیریهای ورزشی نمی‌توان ساختار مشخصی را تدوین کرد.

نتیجه‌گیری

خشونت ورزشی اکنون جزء جدایی‌ناپذیر میادین ورزشی شده است. اما میزان آن به تناسب نوع ورزش و پذیرش و مقبولیت عمومی متفاوت است. از این رو، میزان بازتاب آن علاوه بر این که متأثر از چنین وضعیتی است، متأثر از فراوانی خشونتها نیز هست. روزنامه‌های ورزشی یکی از مجاری بازتاب خشونت‌های ورزشی هستند که خود می‌تواند، تصویری از وضعیت این خشونت‌ها و چگونگی آن در میادین ورزشی ارائه دهد. بر حسب بررسی انجام شده، عمده خشونت‌های ورزشی در حوزه فوتبال بوده و فاصله پرنشدنی با دیگر ورزشها در این زمینه یافته است. بیشتر خشونت‌ها مربوط به بازیهای لیگ می‌شود که از یک سو از فراوانی بیشتری برخوردارند و از سوی دیگر دارای اهمیتی غیر قابل انکار هستند. این خشونت‌ها عمدتاً در زمین بازی (شامل زمین مسابقه و زمین تمرین) بروز پیدا کرده‌اند. علاوه بر این که حدود دو سوم خشونت‌های گزارش شده در مطبوعات مورد بررسی در حین بازی و یک چهارم بعد از بازی اتفاق افتاده است. خشونت‌ها عمدتاً توسط تماشاچیان و بازیکنان شکل گرفته و سپس در فضای ورزشگاه یا بیرون آن گسترش یافته است و عمدتاً نیز به شیوه‌ای لفظی و کلامی (در بیش از دو پنجم موارد) و نزدیک به یک سوم موارد نیز فیزیکی بوده است. با توجه به این که حدود ۹۵ درصد از خشونت‌های ثبت شده در مطبوعات مربوط به حوزه فوتبال بوده است، ساختار بیان شده در مورد ابعاد گوناگون خشونت نیز به فوتبال مربوط می‌شود که در آن امکان همسان‌سازی و همانندسازی بین تماشاچیان و بازیکنان،

امکان تقلید و جانشین‌سازی و یادگیری اجتماعی و مشاهده‌ای و زمینه‌های تخلیه هیجانی پوپولیستی، عقده‌گشاییهای ناشی از سرخورده‌گیها و بغضهای فروخورده اجتماعی و سیاسی و جبران شکستها و ناکامیهای گوناگون در این ورزش بیشتر است. با یادآوری این نکته که فوتبال نقش عمده‌ای را در هویت‌سازی گروهی نیز بازی می‌کند. □

منابع

۱. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۵۶). روش تحقیق در محتوای مطبوعات. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
۲. اسدی، علی (۱۳۵۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی رسانه‌های همگانی. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۳. ویلیامز، جان و دیگران (۱۳۷۹). کندوکاوی در پدیده اوباشیگری در فوتبال. تر: حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
۴. جلالی، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی خشونت در میادین ورزشی، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.

